



دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۹۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۹۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجاه و ۱۰ پهمن ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۹ شعبان ۱۳۴۸</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك کتابخانه ایران سالانه ده تومان خارجی دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۰۸ * (۲۹ شعبان ۱۳۴۸)

نهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس
- ۲ (تصویب مرخصی آقای بروجردي
- ۳ (مذاکرات نسبت بلاجه اضافه عایدات پست هوایی
- ۴ (بقیه شور دوم ناهین مدهی به از ماده ۲
- ۵ (تقدیم لایحه منع ورود نقره و تصویب فوریت آن
- ۶ (ختم جلسه - موقع دستور جلسه بعد

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز یکشنبه ۶ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

- رئیس - آقای فیروز آبادی .
- رئیس - آقای کازرونی .
- رئیس - آقای فیروز آبادی - قبل از دستور .
- رئیس - آقای فرخی .
- رئیس - آقای کازرونی - قبل از دستور .
- فرخی - قبل از دستور .
- رئیس - آقای فرخی .
- فرخی - قبل از دستور .
- رئیس - آقای زوار .
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
- رئیس - آقای زوار - قبل از دستور .
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
- جمعی از نمایندگان - دستور

* عین مذاکرات مشروح نود و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : فهیمی - حسنعلیبرزا دولتشاهی - شریعت زاده - امیر اسدالله خان هامری - دکتر امیر اعلم - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - موقر - اورنگ - حاج سید محمود - بروجردي - امیر حسین خان - مهدوی - کفائی - ارباب کبچسرو - رفیع - تیمورتاش - غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - بشهری - آصف - اعظم - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا رزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدیس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - دیر آمدگان با اجازه - آقایان : سید باظم - پالیزی - اسدی - مولوی - حکمت - مسعودی .

دیر آمده بی اجازه - آقای بیات .

فیروز آبادی - بنده با ورود در دستور مخالفم
 رئیس - در صورت مجلس نظری نبود صورت مجلس
 تصویب شد. آقای فیروز آبادی فقط راجع بعدم ورود
 در دستور و لزوم مذاکرات قبل از دستور صحبت بفرمائید
 فیروز آبادی - بنده مقصودم این است که خدمت
 آقایان عرض کنم ان مجلسی که بیک خون دلها و بابک
 صدماتی و با یک قتل هائی و دار هائی و حبس هائی
 و تبعید هائی گرفته شد. نتیجه اش برای چه بود البته همه آقایان
 میدانند که بایستی قبل از دستور هر کس هر مطلبی دارد بگوید
 پس خویست آقایان اجازه بدهند که هر کس عرضش
 را بکند بالاخره اگر آن عرضش صحیح است که البته
 آقایان هم موافقت میفرمایند و اگر خیر صحیح نبود
 که میفرمایند نا صحیح است اگر میفرمائید وقت کم
 است جلسات را بیشتر کنید هفته چهار جلسه پنج جلسه
 شش جلسه کنید بالاخره اگر اجازه داده نشود که
 يك مطالبی عرض شود مثل این است که يك حقی
 از همه آقایان ضایع شده باشد و بنده گمان نمیکنم هیچیک
 از آقایان و کلا راضی باشند که این حق ضایع شود
 لهذا بنده استدعا میکنم که آقایان اجازه بفرمایند که
 هر کس عرایضی دارد بعرض برساند
 چند نفر از نمایندگان - دستور دستور
 رئیس - آقایانیکه با ورود در دستور موافقت قیام
 فرمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت است تصویب شد
 [۲ - تصویب مرخصی آقای بروجردی]
 رئیس - راجعتی از کمیسیون عرایض و مرخصی
 رسیده است
 فرخی - بنده با دستور مخالفم. اینچا بنده حرفم را
 نزنم پس کجا باید حرف زد
 رئیس - اراده اکثریت حاکم است وقتی که تجویز
 نمیکنند نمیشود حرف زد
 کازرونی - بنده در دستور عرض دارم

رئیس - اجازه بفرمائید يك فقره مرخصی است
 مطرح شود بعد بفرمائید
 خبر مرخصی آقای بروجردی
 نماینده محترم آقای بروجردی از ۱۴ بهمن ۱۵
 روز تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با نظریه ایشان
 موافق اینك خبر آنرا تقدیم میدارد
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - بنده بهمان عقیده که همه روز
 خدمت آقایان عرض میکنم باقی هستم و بالاخر
 نمیتوانم با این قبیل مرخصی ها موافقت کنم مگر اینکه
 يك مقداری از حقوقشان را تخصیص به فقرا بدهند
 و آقای ثقة الاسلام هم این دفعه چندم است که مرخصی
 خواسته اند و بنده کاملاً مخالفم.
 رئیس - آقای اعتبار
 اعتبار - آقای ثقة الاسلام مکرر در مکرر مرخصی
 نخواستند و این دفعه هم که مرخصی خواسته اند بزرگ
 التزام رکاب همایونی بوده است و آقایانیکه در این فرد
 رکاب همایونی بوده اند صرف نظر از اینکه خدمت
 کرده اند و يك مشکلاتی را رفع کرده اند مبالغه
 خرج کرده اند بعلاوه آقای بروجردی هم مریض شده
 بنابراین خوبست آقا موافقت بفرمایند
 رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند) تصویب شد
 [۳ - مذاکرات نسبت باضافه عایدات پست هوایی]
 رئیس - (خطاب به آقای کازرونی) منظور شما
 است که خبر کمیسیون بودجه مطرح شود؟
 کازرونی - بلی
 رئیس - همان هم مطرح خواهد شد خبر کمیسیون
 قرائت میشود:
 کمیسیون بودجه لایحه نمره ۴۷۷۷۷ وزات به

تلگراف را در تحت شور و مذاقه قرار داده و در
 جلسه هشتم بهمن بانفاق آراء ماده واحده ذیل را تصویب
 اینك خبر آن تقدیم میشود
 ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه
 اجازه میدهد مبلغ بیست و پنج هزار تومان از محل عایدات
 سال ۱۳۰۸ پست هوایی بوزارت پست و تلگراف اعتبار
 دهد که مطابق قانون مورخ سوم اردیبهشت ۱۳۰۸ در
 چه کمپانی هوا پیمائی یونکرس در طهران پرداخت نماید
 رئیس - آقای یاسائی
 یاسائی - عرض میکنم که بنده با این ماده مخالفم
 اینجا نوشته شده است بیست و پنج هزار تومان از محل
 عایدات سال ۱۳۰۸ پست هوایی بوزارت پست و تلگراف
 اعتبار دهند بنده میخواستم توضیح داده شود که این
 مبلغ در هیچ جای بودجه عمومی ۱۳۰۸ منظور شده
 است و آیا این اضافه عایدی است که از عایدات پست هوایی
 حاصل شده است یا چیز دیگری است اگر عایدات پیش بینی
 شده زیاد شده است از این قسمی که در این جا پیش بینی شده
 این اشکالی ندارد و اگر چنانچه عایدات اضافی دارد یا ندارد
 آنچه که در بودجه عمومی هست بعقیده بنده قدری اشکال دارد
 کازرونی - (مخبر کمیسیون بودجه قدیم) - البته
 بنده محترم در نظر دارند که در بودجه سال ۳۰۸ پیش
 دو هزار تومان اعتبار داده نشده است بوزارت پست
 و تلگراف در هر ماهی راجع باضافه حقوق پستی کمپانی
 یونکرس و چون در قانونیکه در اردیبهشت ۱۳۰۸ از
 مجلس گذشت اینطور ذکر شده که تمام اضافه پست متعلق
 است و چون عوائد اضافه پستی بیش از دو هزار تومان
 است و معمولاً تمام پول و عوائد پستی بجز آنه داده شده
 است و خزانه هم هیچ پولی را تأدیه نمیکند مگر برطبق
 يك قانونی از این جهت این لایحه را تقدیم کرده است که آن
 اضافه بر دو هزار تومان هم ندارد یونکرس داده شود
 احتشام زاده - اشکال ایشان را متوجه نشدید
 کازرونی - همین بود اشکال ایشان

رئیس - آقای کیا
 کیا نوری - عرض کنم همینطوری که فرمودند در
 بهمن ۳۰۴ قرار بود که آنچه عایدات پست هوایی میشود
 دو هزار تومانش بخود اداره یونکرس داده شود و خودش
 را دولت بگیرد اگر در این قانون ۳۰۸ قرار گذاشته اند
 که آنچه عایدات هست کمپانی ببر و علاوه بر این
 مسئله سه قران در هر فرسخی که در مدت هیجده ماه
 قرار گذاشته است آنهم منقضی شده است و بنده میل
 داشتم آقای مخبر توضیح بدهند که بعد از اتقضای او چه
 ترتیبی شده علاوه بر این میخواستم بدوات تذکر بدهم
 که در باب مسافرتین چه قراری گذاشته اند آیا هر جور
 تا کسی را که خود اداره دلش میخواهد از مردم بگیرد
 یا اینکه در این باب هم يك قرارهائی گذارده اند.
 مخبر - بنده مجبورم که يك توضیحات بیشتری بدهم
 دشتی - خیلی متشکر میشوم برای اینکه از توضیح
 اولی چیزی نفهمیدیم
 مخبر - در بهمن ۱۳۰۷ قرار دادی که با یونکرس
 منعقد شده و از مجلس گذشته اینطور معین شده است که اولاً
 در سه خط معین که بوشهر است و قصر است و بهلوی
 در این سه خط در مدت هیجده ماه از برای هر فرسخی
 سه قران بدهند (بعضی از نمایندگان - هر کیلومتری) بله
 خیلی خوب. سه قران تأدیه شود اما در مدت هیجده ماه
 و همچنین برطبق قرار داد اولی مقرر بوده است که از
 بابت اضافه نرخ پستی تا مبلغ دو هزار تومان اگر اضافه
 نرخ پستی باشد به اداره یونکرس داده شود و اگر از
 دو هزار تومان تجاوز کند بمنفعت دولت ضبط شود در
 ۱۳۰۸ يك ماده واحده دیگری وزارت پست و تلگراف
 از مجلس گذرانده است که در آن ماده اینطور مقرر شده
 که آن اضافه نرخ پستی که محدود بحد معینی است که دو
 هزار تومان است آن حدش را بردارند و هر قدر اضافه
 نرخ پستی باشد تماماً به اداره یونکرس داده شود و آن
 فرسخی سه قران است (بعضی از نمایندگان - کیلومتری)

دران مدت هیجده ماه و البته راجع به آن مبحث که منقضی شده یا در شرف انقضاء است راجع به اداره یونکرس برطبق ماده شش یا پنج که حالا درست در خاطر من نیست اینطور معین شده است که اگر چنانچه یک خط دیگری را دولت بخواهد تأسیس کند باید برطبق همان قرارداد بهش رفتار کند یعنی آن کیلومتری سه قران را هم بهش بدهد دولت وقتی که در اردیبهشت ۱۳۰۸ این را این ماده واحده را از مجلس گذرانده است اضافه عایدی پستی را تخمین کرده بود که بیش از دو هزار تومان نمیشود بالاخره و از آنطرف دولت راجع به کیلومتری سه قران هم به یونکرس گفت حاضر نیستیم بشما چیزی بدهم بالاخره تراضی شد باینکه آنچه اضافه از دو هزار تومان باشد دولت رد کند و حذف کند یعنی تمام عوائد اضافه نرخ پستی به اداره یونکرس تأدیه شود و اداره یونکرس هم از آن فرسخی (یکی از نمایندگان - کیلومتری) سه قران صرف نظر کند این قانون را از مجلس گذراندند و در بودجه ۳۰۸ هم دو هزار تومان معین شده از روی تخمینی که سابق جهت اضافه نرخ پستی که با اداره یونکرس کارسای می شود دو هزار تومان است چون حالا عوائد اضافه نرخ پستی بیش از دو هزار تومان است و خزانه هم برطبق یک قانونی باید اضافه را تأدیه کند لهذا این ماده را پیشنهاد کرده است که برطبق این ماده واحده تمام اضافه نرخ پستی را از خزانه بگیرد و به اداره یونکرس بدهد و اما راجع بمسافرین که فرمودند البته بنده تصدیق میکنم که راجع بمسافرین از روی میل و هوی و هوس خودشان گاهی زیادتیر و گاهی کمتر میگیرند و معمولاً اگر چنانچه ما میخواهیم مقایسه کنیم کرایه مسافرین را با سایر نقاط می بینیم در اینجا خیلی زیاد گرفته میشود بنده در همین موضوع با وزیر پست و تلگراف صحبت داشتم بلکه آقای وزیر پست و تلگراف هم با خود اداره صحبت داشتند ایشان هم خودشان یک علی اقامه میکردند بالاخره اداره یونکرس هم دلیلی را که اقامه میکند این است که بر طبق قرارداد دادی که من با دولت دارم این است که در اینجا تا

بوشهر صد تومان از دولت میگیرم از مردم هم همین مبلغ را میگیرم پس معلوم میشود که دولت یک قرار داد زیاده بسته است و البته در آتی در موقعی که دولت میخواهد قرار دادش را تجدید کند بایستی این ملاحظاتی را بکند
رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - عرایضی که بنده داشتم تشریح داشتن آقای وزیر پست و تلگراف را هم ایجاب میکند برای اینکه بنده یک سئوالی داشتمم راجع به قرار داد با یونکرس که میبایستی ایشان جواب بدهند اولاً راجع باین لایحه اگر بمقدمه لایحه در مراجع شود یک چیز گنگی بنظر میرسد میگوید قرار داد یونکرس قرار شده است اگر اضافه نرخ حاصل شد با اداره یونکرس بدهند ولی بعد از آن قانون اردیبهشت ۳۰۸ هر ماهی پنج هزار تومان متجاوز عاید پیدا شده است حالا که اینطور هست بوزارت پست و تلگراف اجازه داده میشود که بیست و پنج هزار تومان با اداره یونکرس بدهد خوب این بچه مناسب است روی چه حسابی است اگر برطبق قانون سوم اردیبهشت ۳۰۸ تمام اضافه تا کس چهار خط متعلق است بکس یونکرس تمام این اضافه تا کس در هفت ماه اخیر اظهار میکنند که از ماهی پنج هزار تومان متجاوز است در صورتیکه هنوز یکماه و نیم دو ماه مانده است بنده سال و هنوز معلوم نیست این اضافه نرخ چه مبلغی برطبق قانون سوم اردیبهشت آنچه اضافه عایدات پیدا شد متعلق با اداره یونکرس است هفت ماه آخر سال میشود سی و پنج هزار تومان از شهر یور که میگویند پنج هزار تومان متجاوز است حالا پنج هزار تومان اگر حساب کنید سی و پنج هزار تومان میشود متجاوز اگر بنده چهار هزار تومان از روی چه حسابی است که این مقدمه منتج باین نتیجه میشود حالا در صورتیکه قانون پیش دو هزار تومان بوده و در بودجه هم در هر دو هزار تومان منظور شده است آنوقت از بعد از تصویب

اون ماهی پنج هزار تومان علاوه شده است خوب حالا است و پنج هزار تومان اجازه میدهند که وزارت پست و تلگراف با اداره یونکرس بدهد این نتیجه از بجای این مقدمه استنتاج میشود در صورتیکه الان یکماه و نیم مانده است باخر سال و عوائد اضافی معلوم است و آن حد اقل هم که از اول شهریور معین شده است که از اول شهریور تا بحال از پنج هزار تومان هم زیاد تر بوده است پس این میشود قریب سی و پنج هزار تومان چهار هزار تومان حالا این مبلغ بیست و پنج هزار تومان از کجا معلوم میشود که این اضافه کس را باید بدهند این سؤالاتی است که بنده داشتم موضوع دیگر این است که در قرار داد یونکرس یک عهدنامه را مؤسسه هوا پیمائی کرده است که بایستی آنها را انجام بدهد یکی تأسیس مدرسه هوا پیمائی است برای تعلیم و تعلم و شاگرد تربیت کند آیا به این تعهد عمل شده است یا نه؟ همینطوریکه ما راجع به پول دادن باید شرط را عملی کنیم و آن اضافه تا کس را همیم و حالا هم قانون بگذرانیم که بیست و پنج هزار تومان را بهش بدهیم باید او هم کاملاً تعهداتش را اجرا کند حالا بنده میخواهم به بینم که مدرسه هوا پیمائی تأسیس شده است و شاگردی در آنجا تربیت شده است تا قیام قیامت باید هوا پیمایان از المان بیاید در پست و تلگراف میگویند که باید متدرجاً طرق دیگر دائر بشود که جمله خطوط بزد و کرمان و دزداب است حالا بنده میخواهم عرض کنم در صورتیکه اضافه تا کس این اندازه است که برای او صرفه دارد که این خطوط را دائر کند آیا دولت با او داخل مذاکره شده است یا نه؟ بنده میخواستم این مذاکرات در اینجا مطرح شود تا معلوم شود این مؤسسه تعهدات خودش را انجام داده است یا نه؟ و این مبلغ از روی چه حسابی بوده است حالا اگر آقای مخبر مستحضرنه بفرمایند مخبر - عرض کنم این بیست و پنج هزار تومان اضافه بر مبلغ دو هزار تومان اعتبار است که در ۳۰۸

داده شده است و این از محل اضافه نرخ پستی است و مربوط بسایر عوائد دولت نیست حقاً باید تمامش عاید یونکرس شود لکن اینجا نمیتواند وزارت پست و تلگراف تمام عوائد را به خزانه میدهد چنانچه عرض کردم خزانه هم نا قانونی در مقابلش نباشد تأدیه نمیکند لذا اعتبار میخواهد که آن پول یعنی هر چه اضافه نرخ پستی است به او تأدیه کند. اما آن اضافه نرخ پستی بیست هزار تومان یا بیست و پنج هزار تومان است چون اعتبار است البته زیاد تر داده نخواهد شد. اما در خصوص مدرسه که فرمودید یک قرار دادی با ما منعقد کرده است این مدت هم مشغول تهیه مقدماتش بوده اند و چنانکه بنده اطلاع دارم قریباً مدرسه اش دائر خواهد شد توسط وزارت جنگ و تمام وسائلش را موجود کرده و شاید یکماه بیشتر طول نمیکشد که مدرسه هم دائر خواهد شد اما در خصوص سایر خطوط که فرمودید البته دولت هر وقت مقتضی دانست و اسباب برای او موجود شد بر طبق قرارداد که دارد خط را دائر خواهد کرد

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار راجع به این موضوع رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای اعتبار

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون عدلیه راجع به تأمین مدعی به مقدم باشد و این لایحه در درجه دوم مطرح گردد
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - با توضیحاتی که از طرف آقای مخبر و سایر آقایان داده شد بنده هیچ نفهمیدم چنانچه سایر آقایان هم ملتفت نشدند بالاخره این توضیحات کجایش با بیست و پنج هزار تومان ارتباط پیدا میکند میدانم و این بیست و پنج هزار تومان از محل عایدات ۱۳۰۸ هیچ ربطی با اضافه نرخ پستی و غیره ندارد باین جهت خواستم این لایحه باشد و آقای وزیر پست و تلگراف تشریح بیاورند و توضیحات بیشتری بدهند تا آقایان مسبوق شوند آنوقت رأی گرفته شود (صحیح است)

کلالی - خیر آقای مخبر خوب دفاع کردند

رئیس - آقای جلالی هم به بنده یاد آوری میکنند که خوب است آقای وزیر برای توضیح حاضر باشند ولی ایشان کسالت داشتند بنده هم بایشان تلفون کرده بودم شاید حالشان مساعد نبوده است که بیایند پس اگر موافقت میفرمائید معطل بداریم این کار را

بعضی از نمایندگان - صحیح است
کازرونی - آقا بنده مخالفم از اینکه از دستور خارج شود اجازه میفرمائید؟
رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم این لایحه يك لایحه مهمی نیست که تعویق یا تأخیر یا تعجیل در آن مستلزم تضییع مصالحی برای دولت باشد. دولت بر طبق يك قانونی که از مجلس گذشته است در مقابل يك مؤسسه خارجی يك تمهیداتی دارد و حالا اعتبار میخواهد که از خزانه داری آن اضافه نرخ پستی را که قانون برایش گذرانندیم بگیرد و بان مؤسسه بدهد (جهانشاهی - چه اصراری دارید شما) دیگر این توضیحاتیکه میفرمائید خارج از این ماده واحده است و هیچ ارتباطی باین ماده واحده ندارد اگر چنانچه سایر نقاط باید دائر شود و نشده ضرری باینجا وارد نمی آورد و سبب تأخیر این نمیتواند باشد شما هر توضیحی میخواهید که مربوط باین ماده واحده باشد عرض میکنم که هرگاه يك قرار داد جدیدی آمد بمجلس راجع بیونکرس شما تمام مطالبی که دارید میتوانید آنجا اظهار کنید ولی فعلاً شما يك قانونی گذرانند. آید و دولت هم تعهد کرده است که اضافه نرخ پستی را باو بدهد پولش هم حاضر است عرض کنم از اضافه نرخ پستی است نه از عایدات مملکت

رئیس - آقایانیکه موافقت موقتاً با خروج این لایحه از دستور قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) اکثریت است [۴ - بقیه شور دوم لایحه تأمین مدعی به از ماد دوم]
رئیس - ماده دوم لایحه تأمین مدعی به مطرح است

قرائت میشود:

ماده دوم - هرگاه دعوی بحکمیت رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از محکمه تقاضا بشود که قرار ارجاع بحکم را صادر کرده است
رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده در ضمن پیشنهاد اصلاحی دارم
رئیس - پیشنهادی نداده آید.

وثوق - الان

رئیس - دارید مینویسید؟ آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای وثوق پیش نهاد شما حاضر شد

آقا سید مرتضی وثوق - بلی. (پیشنهادشان تقدیم داشتند)

پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکت بنده پیشنهاد میکنم که کلمه بدوی بعد از عک اضافه شود
رئیس - آقای وثوق.

آقا سید مرتضی وثوق - چون در ماده اول تصریح دارد که در محکمه استیناف تأمین مدعی به پذیرفته میشود و این ماده بکفوری آن تصریح ماده اول را متزلزل میکند مینویسد: هرگاه دعوی به حکمیت رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از محکمه تقاضا شود که قرار ارجاع به حکم را صادر کرده باشد. ممکن است محکمه استیناف قرار حکمیت صادر کرده باشد اگر چنانچه محکمه استیناف قرار ارجاع به حکمیت را صادر کرده باشد میتواند این قرار هم بدهد؟ اگر اینطور نیست پس همان محکمه است که قرار ارجاع به حکم را داده است و محکمه استیناف قرار ارجاع را صادر میکند این است که پیشنهاد کردم که بعد از کلمه محکمه (بدوی) هم اضافه

باسالی (مخبر کیسیون قوانین عدلیه) - عرض میشود مقصود از محکمه که در ماده دوم نوشته شده است همان محکمه ابتدائی و صلحیه است که قرار ارجاع به حکم را صادر میکنند مخصوصاً از ماده اول که نوشته شده است که در خواست تأمین در محکمه استیناف پذیرفته نمیشود این مطلب خوب معلوم میشود چه در مورد حکمیت و چه در مواردی که خود محکمه رسیدگی میکند ولی چون يك توضیحی است و ممکن است رفع اشتباهی بکند بنده قبول میکنم چون مقصود همان است
رئیس - رای دیگری به ماده دوم با افزایش کلمه (بدوی) بنحویکه آقای مخبر قبول نمودند. موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:
ماده سوم - در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه بشرط تقدیم دلائل جدید راجع به تأمین تجدید درخواست کند
رئیس - آقای کیا.

کیا نوری - بنده تصور میکنم که برای محکوم علیه و مدعی علیه خیلی ضعیف گرفته میشود و باین اندازه نمیتوان به مردم تحمیل کرد زیرا تقاضای تأمین مدعی به کرد و محکمه مقتضی ندانست با شرایط اولیه و با اینکه خود محکمه که حق داشت نظر بکند صلاح ندانست. اینجا نوشته شده است که دو مرتبه هر ساعتی مدعی بیاید و این تقاضا را بکند آقا اینکه صحیح نیست ممکن است این عبارت که اینجا نوشته شده است (با دلائل جدید) سبب شود که امروز يك دلائلی بیاورد و محکمه رد کند فردا يك دلائلی پیدا کند و يك اسنادی درست کند که آن ملک که برش من ادعا دارم مدعی علیه من میخواهد بفروشد چهار نفر هم بنویسند دو مرتبه بیاورد به محکمه. اینجا نوشته ام

چند دفعه ممکن است دفعه دوم هم رد شود دفعه سوم بیاورد به محکمه و بنده تصور میکنم این ماده با این ترتیب در خارج ممکن است سوء تفاهم ها و سوء استفاده هایی از این ماده بشود فقط بنده می توانم در این ماده دو نقطه اش را تصور کنم که باو اجازه تجدید داده میشود یکی در صورتیکه محکمه مدعی علیه را محکوم کند زیرا تا مادامی که مدعی علیه محکوم نشده است آن اضطراب و اضطراب را ندارد در باب اعدام مال زیرا که ممکن است محکوم شود و ممکن است نشود ولی وقتی دین محکوم میشود مالش را بغیر واگذار کند با يك ترتیبی کند که مال را در معرض تضییع و تفریط و تلف قرار دهد فرض دومش این است که عین مدعی به باشد مثل یک خانه یا یک باغ مخصوص که مال مدعی بوده است و در بد مدعی علیه افتاده است و حالا محاکمه کرده است و مدعی حق خودش را ثابت کرده است البته در این موقع هم باز ممکن است آن کسی که محکوم به بی حقی شده است آن را تضییع کند بنا بر این مدعی چون عین مال مدعا بهش است و دلیل جدید هم مثل فرض اول (تفریط مال) برایش پیدا شده ممکن است تقاضای تأمین کند ولی اینکه در ماده نوشته هر گاه دلیل جدیدی برایش پیدا شد این جا ممکن است یک مرتبه دو مرتبه سه مرتبه اتفاق افتد و بنده تصور می کنم که این ترتیب برای قاضی و برای محکمه و برای مردم ایجاد یک زحمتی را خواهد کرد این است که بنده به نظر خودم همانطوری که عرض کردم تجدید تقاضا را فقط در دو مورد قرار دادم یکی اینکه محکمه حکم بدهد یکی هم اینکه مدعی به عین مال باشد در این دو مورد چون دلیل جدید هم پیدا می کند بتواند تجدید تقاضا کند ولی در غیر از این دو مورد من غیر حدود و بدون حد تکرارش را لازم و مفید ندانم و لازم است اقلاً یک حدی یک مرتبه یا دو مرتبه در این جا معین کرد و پیشنهاد خودم را هم در این زمینه تقدیم می کنم (تقدیم مقام ریاست نمودند)
مخبر - عرض میشود فرمایشات ایشان يك قسمت

راجع باین بود که این تجدید تقاضا یا تقدیم دلائل تازه ممکن است اسباب سخت گیری قضاة و سوء استفاده متداعیین بشود ابتدا در لایحه که در شور اول آوردیم اگر نظر آقایان باشد يك چنین چیزی را نداشت بعد آقای دکتر عظیمی پیشنهاد کردند و در کمسیون هم مذاکره شد که اگر کسی تقاضا کرد تا مین مدعی به را و ادله قویه نداشت و محکمه دلائل او را رد کرد بعد نائبا يك دليل قوی نری برایش پیدا شد محکمه اگر دید صحیح است بپذیرد. شما میفرمائید میباید استمهادی تهیه میکند و اسمش را میگذارد دليل تازه. فرض این است که مدعی علیه در سندی که در دفاع از دعوی مدعی ارائه میکرد مدعی در ضمن همان سند استناد میکند و آن را دليل حقایق و اثبات حق خودش قرار میدهد و این يك دليل جدیدی برای او میشود محکمه هم می بیند اگر این استناد صحیح است و واقعا مدعی حق دارد نگاه میکند می بیند دليلش قوی است آنوقت اظهارش متوجه میشود و حال آنکه سابقا اینقدرها متوجه نبود اینکه فرمودند در صورت صدور حکم حق داشته باشد. در صورت صدور حکم مطابق ماده اول که حق دارد محکوم به را تا مین کند حرف سر صدور حکم نیست در حین رسیدگی است. در حین رسیدگی معنی ندارد حکم صادر شود این خفض جناح است. وقتی که مدعی تا مین محکوم به را تقاضا کرد محکمه ملزم است مطابق دلائلی که بعد میاورد قرار تا مین صادر کند اما آن قسمتی که در نظر گرفتید که عین مدعی به مورد دعوی باشد اینجا هم بنظر بنده تفاوتی ندارد اگر چنانچه من يك دليل تازه پیدا کردم چه مدعی به عین آنچه است که مورد دعوی است یا برزومه است مثلا قبض رسیدی ابراز داشته آن قبض طوری نوشته شده که من میتوانم از آن استفاده کنم و محکومیتش را بهتر مدلل بکنم در این موارد هم بمنزله ادله تازه است و فرقی ندارد. اما يك نکته فرمودند که خود بنده هم این قسمت را تصدیق دارم و ممکن است پیشنهاد بکنند

و بنده قبول میکنم آن این است که تقاضای تجدید برای يك مرتبه باشد. تا بالاخره سخره بازی نشود که هر روز محکمه قرار رد بدهد بعد مدعی باز فردا بیاورد تجدید تقاضا کند. این قسمت اخیر حرف حسابی است و میشود قبول کرد
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - بنده نظر باینکه نظر همه آقایان هم بر این است که دعوی در عدلیه زیاد طول نکشد و زودتر خاتمه پیدا کند این ماده که آمد بمدعی حق داده که مکرر در مکرر تجدید تقاضا کند این خودش تقاض غرض است و باعث طول دعوی است در اصل دعوی و ادعا که این ماده مداخلت ندارد مداخلت این در واقع در مورد تا مین مدعی به است و تا مین مدعی به هم تا اندازه خوبست اگر بنا شود حق داده شود که در محکمه تکرار شود یعنی اگر محکمه رد کند باز مدعی تجدید کند این خودش اسباب طول دعوی و زحمت مردم است باین جهت بنده با این ترتیب مخالفم و عقیده دارم که وقتی محکمه رد کرد حق تجدید دعوی بی جهت باقی نماند
 مخبر - عرض میشود شما این حق را علی ای حال برای مدعی قائلید که میتواند تا مین مدعی به بخواند و این را موکول کرده اند به ادله مدعی که اگر ادله بر سند رسمی بود یا سند عادی در حکم سند رسمی بود محکمه قرار تا مین صادر میکند در ماده پنج درست توجه بفرمائید نوشته در صورتی که مستند دعوی رسمی باشد یعنی ذانا در حین تقدیم عرض حال سند رسمی باشد یا رسمی شده باشد یعنی چه؟ یعنی وقتی که متداعیین میانند و می نشینند ممکن است مدعی علیه اظهاراتی بکند مشعر بر صحت آن سند. آنوقت این تازمه رسمی می شود چون مدعی علیه اصلش را در محکمه تصدیق کرده است ممکن است قبل از این که مدعی علیه اصلش را در محکمه تصدیق کند

محکمه بگوید سند عادی است و هنوز رسمی نیست آنوقت نسبت به تا مین مدعی به قرار رد صادر میکند ولی وقتی که مدعی علیه اقرار کرد که این سند را من داده ام و مال من است آنوقت اصلش محرز میشود تا بعد برود بطلائش را ثابت کند این سند رسمی میشود. پس تصدیق میفرمایند بر واری است که سند در ابتداء رسمی نیست ولی در این محاکمه بر طبق اظهارات متداعیین ممکن است رسمی باشد و مورد استفاده طرف واقع شود در این صورت سند رسمی شده و مجددا مدعی می تواند در خواست تا مین کند.
 رئیس - آقای کارزونی
 کارزونی - بنده عقیده ام این است قانون بایستی در حرفه باشد چنانچه قاضی هم باید به متداعیین کاملابطور بی طرفی نگاه کند یک قانونی وضع میشود در حالتی که همچو حس میکند که شاید در واقع حق با مدعی است آنوقت روی این فرضی که شاید حق با مدعی است قانون وضع می کنید به نفع مدعی و این درست نیست همانطور که تصور میشود حق با مدعی است ممکن است تصور شود که شاید مدعی یکی از آن شرخرهایی است که نظایرش ایران زیاد است و از صبح تا شام میگردند ببینند دعوی دارد. طلب کهنه دارد برونند بچرند و در عرض استفاده قرار دهند. یا اشخاصی پیدا شوند ادعا کنند بر اشخاص و در ضمن تا مین مدعی به بخواهند بواسطه این تا مین مدعی به در واقع زندگانی مدعی علیه بگلی یا بیچسبیده میشود و یا مجبور میشوند بصلح نامه بدهند! بنده در هر صورت می بینم قانون تمام اظهارات را در اینجا برای مدعی علیه قرار داده و بقدری تا مین مدعی به را تشدید کرده است که از تأدیه تمام مبلغ برانب شدیدتر است. در صورتیکه در خواست تا مین مدعی به را محکمه رد کند نائبا تجدید کردن لازم ندارد تا شما بواسطه قانون و فرض تصوری قانون وضع کنید که يك کسی را در فشار بگذارید

و این عملا صحیح نیست.
 مخبر - عرض میکنم تکرار در مذاکرات مطلوب نیست ولی چون آقایان مطلب را از سر گرفتند بنده هم ناچارم از سر بگیرم فرض کنید بنده مدیونم به آقای طهرانی. ایشان سندی از بنده دارند همانطور که عرض کردم ابتدا موقعی که ارائه میدهند: «من نوشته ام طلب آقای طهرانی از من فلان مبلغ» متبادر بذهن از این سند چیست؟ ظاهراً محکومیت من است تا آنکه خلافش ظاهر شود. شما در ذهنتان همچو جا میگیرد که با این سند من مدیونم در صورتیکه ممکن است پس داده باشم ولی تا زمانیکه بطلان این سند را من ثابت نکردم بنظر شما ظاهراً اینطور میآید که من مدیونم قاضی هم اینطور خیال میکند این اصل ظاهر است.
 کارزونی - نظر قاضی نباید اینطور باشد
 مخبر - قاضی هم که در محکمه نشسته مثل سایر مردم است چه فرق میکند ناچار است این اصل ظاهر را در نظر بگیرد تا خلاف آن ثابت شود شما این احتمال را که ممکن است مدعی حرفش راست نباشد در نظر میگیرید اصل هم این است ولی عمل میگوید صد پنجاه بلکه بیشتر حق با مدعی است. عدل چندین ساله عدلیه هم اینطور میگوید که مردم تا عاجز نشوند، تا مأیوس نشوند تا بیچاره نشوند بعدلیه مراجعه نمیکنند و بیخود کسی حاضر نمیشود که خسارتی بخودش بزند و پول تمبر حق الوکاله بدهد و وقتش را بیخود تلف کند. ممکن است حرف شما هم درست باشد يك دعوا های پوسیده باشد ولی آنها بالاخره تمام میشود و از این بیعد انشاء الله ثبت اسناد توسعه پیدا میکند و کارها درست میشود و کم کم بواسطه قانون مرور زمان دعوی پوسیده هم از میان میرود و مملکت راحت میشود ولی فعلا اصل عملی این است پس اگر قانونی وضع میشود دائر بر تا مین مدعی به بصلحت طرفین است بصلحت محکمه و متداعیین است زیرا در عمل دیده شده است صد پنجاه از محاکمات در نتیجه قرار

تأمین اصلاح شده و خاتمه می پذیرند در عمل اینجور است و احصائیه اینطور میگوید. چرا امروز مدعی ها حاضرند بنایب الحکومه ها بفراشباشی ها تسلیم شوند؟ برای این است که نسبت بمدعی علیه ها ارفاق های زیادی شده بطوریکه مدعی خسته میشود از این جهت در پیروها پیش نایب الحکومه ها و فراشباشی ها میروند آنها فوری طرف را میخواهند و روی اصول سابقه که معمول به است یکی از نمایندگان - کدخدا منشی

نخبر - کدخدا منشی و روی اصول سابق که معمول بوده است در مملکت دعوا را قطع میکنند آنها باینوسیله زودتر بمقصودشان نایل میشوند ولو اینکه بطرز غیر مشروع و غیر رسمی است در هر صورت مطابق اصول و عمل صلاح در این است که این قانون تأمین مدعی به همین صورت بگذرد اگر چنانچه تقاضای مدعی بواسطه نداشتن ادله رد شود البته اگر بعدش بطور مطلق باشد همین است که میفرمائید ولی باقید اینکه نوشته شده «در صورت داشتن ادله جدید» دیگر چرا نباید اجازه داد محکمه که در صورت ابراز دلائل جدیدی از مدعی قرار تأمین را صادر نکنند؟!

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - پیشنهاد آقای کیا قرائت میشود:

پیشنهاد آقای کیا

مقام ریاست مقدس مجلس دامت شوکه العالی

پیشنهاد میانیم ماده سه بطریق ذیل نوشته شود:

در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی می تواند با وجود یکی از دو شرط تجدید در خواست نماید

۱ - مدعی علیه در محکمه محکوم شده باشد

۲ - تجدید درخواست از تأمین عین مدعی به بوده و با ادله جدید باشد.

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - عرایض بنده همان بود که عرض کردم. يك قسمتش از آقای مخبر تصدیق کردند که نمیشود این اندازه بر مدعی علیه مضیقه گرفت و حق تجدید درخواست را غیر محدود کرد. البته این ماده چون مطلق نوشته شده است و معلوم نیست که آیا برای دو یا سه مرتبه است هیچ حدودی ندارد از این جهت بنده تصور میکنم که اگر این ترتیب را محدود کنیم باین که اولاً یا بعداً صدور حکم باشد (چون بعد از صدور حکم مدعی علیه ممکن است برای تضييع حق مدعی حاضر شود که مانع تضييع و تفریط کند) و یا ادله تجدید در خواست در عین مدعی به باشد. يك فرمایشی آقای مخبر کردند فرمودند در ماده اول بعد از صدور حکم مدعی حق تأمین در صورتی که در ماده هیچ همچو چیزی ندارد. در اول فقط مدت را معین میکنند که حق دادن تأمین روز انعقاد محکمه است الی زمانی که حکم صادر میشود بگذرد. این ماده نمیگوید بعد از صدور حکم تجدید درخواست بشود لهذا این ماده را آمدم عوض کردیم که از برای مدعی در صورتیکه ادله جدیدی داشته باشد میتواند درخواست کند چون همانطور که آقای مخبر فرمودند ممکن است حین محاکمه از اسناد طرف یا بواسطه قضایا و حواله جدیدی يك خطراتی برایش پیدا شود و ادله جدید دست آورد در اینصورت باید بهش حق داد ولی حق باید محدود باشد و طوری نشود که هم قاضی و مدعی علیه بزحمت بیفتند که هر اندازه که مدعی میخواهد حق داشته باشد تجدید درخواست کنند البته ممکن است ادله جدیدی مدعی پیدا کنند باید گفت که برای يك مرتبه ممکن است تجدید درخواست کند. بنده تصور کردم آن يك مرتبه را بعد از صدور حکم قرار بدهیم بهتر است چون بعد از آنکه صادر شد تصور خطر مال بیشتر است در اینصورت است این حق تجدید درخواست را در این مورد بدهیم. مورد دیگر هم این بود که عین مدعی به؛ مثلاً من نسبت باین خانه یا باغ یا آب بخصوص

دارم میگویم اگر این را تأمین نکنید قبل از صدور حکم ممکن است این تلف شود ادله جدیدی هم دارم چون تأمین عین مدعی به می خواهد البته باید بهش حق داد که در صورت داشتن ادله جدیدی این تقاضا را بکند (چون اگر ادله جدیدی نداشته باشد در خواست داده قاضی هم صلاح ندانسته و رد شد). اگر ماده باین شکل بود نسبت بطرفین مراعات شده.

وزیر عدلیه (آقای داور) - بنده تصور میکنم ظاهر

بیاناتی که میشود البته خیلی خوب است اما خوبست قدری خودمان را وارد عمل کنیم و فرض کنیم کسی آمده و دعوائی را اقامه کرده در ابتدای امر نخواست تقاضای تأمین کند بعبارة اخری نخواست است خیلی بر مدعی علیه تضییع کند بخیرال اینکه تکلیفش زودتر معین خواهد شد. مدعی علیه آنوقت شروع میکند بیک تشبثات قانونی بآراد ها و اشکال های قانونی که در بین دعوا تولید می شود آنوقت مدعی بخیرال تقاضای تأمین می افتد و پذیرفته نمیشود مدتی محاکمه اش در عدلیه طول میکشد دلایل جدیدی این مرتبه پیدا میکنند مشعر بر اینکه طرف دارد مالش را تفریط میکند محکمه دلایل را کافی نمیداند و تقاضایش را رد میکند. آنوقت مدعی میروند دنبال اینکه دلائلش را تکمیل کند وقتی که دلائلش را تکمیل کرد و آورد تازه شما می خواهید جلو محکمه را بگیرید؛ این دلائل جدید راجع به تأمین است. پس هر وقت و او پنج مرتبه ده مرتبه هم باشد هر وقت که يك دلائلی پیدا شد از برای اینکه تأمین ضرورت پیدا کرد باید این حق را بمدعی داد. اگر بنده دیروز يك دلائلی داشتم که کافی نبود از برای، اینکه تجدید درخواست کنم آیا میشود بمن گفت فردا که دلائل تازه و افتاع کننده پیدا کردی (که حتماً افتاع کننده است) حق نداری تقاضا را تجدید کنی و نباید دلائلش را پذیرفت؟! بنده خیال میکنم مسئله تأمین یکی از وسائل خیلی مفید برای جلوگیری

از طول محاکمات است و واقعا تأمین حق است بنا بر این بایستی سعی کرد دامنه اش را بسط داد هر وقتی که يك دلائل جدیدی پیدا شد (ولو دفعه دهم باشد) باید حق داشته باشد تقاضا کند. من تا دیروز نمیدانستم که این شخص مدعی علیه من آمده و يك قسمت از دارائی خودش را بطور مختلفه دارد باشخص مختلفه انتقال میدهد يك چیزی بنده شنیده بودم که نمی توانستم ثابت کنم حالا که می توانم ثابت کنم مثلاً سواد یکی از انتقالش را پیدا کرده ام چه ضرری دارد که این تقاضا را بکنم و محکمه هم برای دفعه دوم حرف مرا به پذیرد پس خوبست آقای هم موافقت بفرمائید که این ماده بهمین ترتیب بگذرد بعد اگر دیدیم لزوم پیدا کرد ممکن است وقت دیگر اصلاحش کنیم. اینرا مطمئن باشید. قانونی که در این مملکت وضع میشود خیال میکنید قانون غیر قابل تغییری است؟ و تعصب ها پیدا می شود و نسبت باین قوانین هم هیچ نگاه نمی کند که چه در عمل در میانند اینها يك قوانینی است که با باید گذاشت در کاغذ بماند و نتیجه ازش نگرفت این قوانین همیشه قابل تغییر و منوط بهلاحظه نظر آقایان و مجلس است هر وقت مقتضی شد میاوریم و اصلاح آنرا میخواهیم قانون همیشه باید زنده باشد یعنی باید باز زندگی تانی توام باشد. چون مقصود از قانون نتیجه آنست خود قانون که نمیتواند منظور و مقصود واقع شود قانون يك وسیله است بنا بر این امروز که این قانون بنظر میرسد خوبست آقایان اجازه بدهند که ما بان عمل کنیم بعد اگر در عمل دیدیم درش معایبی هست یعنی اگر دیدیم که هی مردم میانند و بیخود تجدید در خواست میکنند و وقت محکمه را میگیرند آنوقت می آئیم و محدودش میکنیم. فعلاً بامطالعانی که قبل از این قانون شده بنده تصور میکنم اگر آقای کیا هم موافقت بفرمایید و پیشنهادشان را پس بگیرند بهتر است و بنده خیلی ممنون میشوم.

کیا - بنده مسترد میدارم

رئیس - یکی دیگر هم دارید هر دورا مسترد میدارید؟

کیا - خیر آن یکی را بفرمائید قرائت کنند . یکی را مسترد داشتیم .

پیشنهاد دیگر آقای کیا

مقام منبع ریاست مجلس دامت شوکه العالی بنده پیشنهاد می نمایم که ماده سه بطریق ذیل نوشته شود :

در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به رازد نماید مدعی می تواند در حین محاکمه یک دفعه دیگر بشرط تقدیم دلائل جدید الی آخر

رئیس - آقای کیا بفرمائید

کیا نوری - عرض بنده همان بوده که عرض کردم و آقای مخبر هم یک قسمتش را تصدیق کردند بنده تصور نمیکردم آقای وزیر تشریف بیاورند و با یک زبانهای شیرین تمام قضایا را حل کنند حالا باز خدمتشان عرض میکنم اگر برای دومرتبه کافی نمیدانند تصور میکنم یک مرتبه دیگر بهش اجازه بدهیم و این کفایت میکند آقای وزیر توجه بفرمائید باین قسمت بنده میدانم که حضرت مستطاب عالی نهایت درجه سرعت محاکمات اهمیت میدهد و در سرعت محاکمات میکوشید اگر بنا شود زیاد بر این حق بدهیم حقیقتاً ممکنست اسباب زحمت محکمه فراهم شود اگر اجازه بفرمائید اینطور نوشته شود که از برای دفعه دیگر که دو مرتبه باشد حق داشته باشد تقاضا کند بهتر است والا اگر حق داشته باشد دو مرتبه تقاضا کند این بر خلاف آرزوی حضرت تعالی و همه خواهد بود زیرا مقصود خود حضرت تعالی و همه سرعت جریان محاکمات است و تا این ترتیب محدود نشود گمان میکنم سرعت جریان محاکمه را ما لغو کرده ایم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بطوریکه در دفعه اولی هم در پیشنهاد اولیه شان مذاکره شد ممکن است مدعی در حین محاکمه یک توضیحات و مقتضایاتی برایش پیش بیاید که بیش از ده مرتبه هم بتواند تقاضا کند . مثلاً فرض بفرمائید در

دفعه اولی تقاضای تأمین کرده محکمه رد میکند بعد اظهار پیدا میکند که مدعی علیه در صدور تصدیق است باز تقاضا میکند و محکمه رد میکند ولی در حین محاکمه اظهارات و اقراراتی از طرف میشوند که سند مدعی را حاکم رسمیت میدهد در اینصورت نمیتوان مدعی را مجبور کنیم از اینکه بتواند حق تجدید تأمین بخواند . گویا میکنم بهتر این است آقا موافقت بفرمایند که با داشتن دلائل جدید مدعی همیشه حق این را داشته باشد که تقاضای تأمین بکند چون اساساً منظور از این لایحه این است که مدعی به تأمین بشود و مدعی علیه هم ملزم باشد طرف خودش را قانع کند و مقصود از محاکمه این هم که میشود همین است از این جهت خوب است موافقت بفرمائید که هر وقت مدعی دلائل جدیدی پیدا کرد بتواند از حق تأمین خودش استفاده کند .

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهادی از آقای شریعتزاده رسیده است :

پیش نهاد آقای شریعتزاده

پیشنهاد میکنم تجدید در خواست در مقدمات کتبی دعوی تا آخر جلسه اولی محاکمه جایز است مشروط بر اینکه مستند بدلیل جدیدی باشد
رئیس - آقای شریعتزاده

شریعتزاده - البته آقایان توجه دارند که تقاضای تأمین در دومورد ممکنست بعمل آید : یکی قبل از صدور حکم و یکی بعد از صدور حکم . این مذاکرات مربوط است به تقاضای قبل از صدور حکم مطابق اصولی که فعلاً در عدلیه مقرر است رسیدگی محاکم تابع یک ترتیب است . کلبه تقاضاهای از تأمین یا غیر تأمین بایستی در مقدمات اولیه دعوی بعمل آید . یعنی پس از بجا آوردن مقدمات مدعی می تواند از محکمه تقاضای تأمین بکند

یکی هم در آخر جلسه اولی میکند بنظر بنده این جلسه اولی محاکمه ، محاکمه در ماهیت دعوی است چون اگر در متفرعات دعوا محکمه بخواهد رسیدگی کند راجع به صلاحیت و چیزهای دیگر شامل آن چیز هائی است که مقدمه است و جلسه اولی محاکمه در ماهیت دعوا بعمل میآید و محاکم غالباً در ماهیت دعوا بیش از یک جلسه رسیدگی نمیکند برای اینکه اصول محاکمه طوری است که تمام مقدمات محاکمه ترتیبش باید قبلاً داده شود و از هر جهت فراهم شود بطوریکه وقتی محکمه جلسه میدهد تمام چیزها شده فقط برای یک توضیحاتی است که خود محکمه میخواهد باین مناسبت محدود نبودنش صحیح نیست و این چیزی را که بنده پیشنهاد کرده ام مطابق با قوانین معتبره در زمان فعلی است . نظر بنده این است . آقای مخبر و آقای وزیر عدلیه هم خوبست موافقت بفرمایند که یک حدی داشته باشد بالاخره تا آخر جلسه اولی محاکمه بتواند این تقاضا را بکند .

وزیر عدلیه - یکدفعه دیگر بخواهید آقا

(پیشنهاد آقای شریعتزاده مجدداً بشرح سابق چهرانده شد)

وزیر عدلیه - گاهی میشود که یک فکری جلب توجه میکند و بواسطه یواش بهر دماغی که وارد میشود مناسب است این عبارت عرض کنم که خیلی سوگلی میشود . این مسئله را که آقایان (آقای کیا و دیگران) در نظر دارند که حق تقاضا را محدود کنیم از نقطه نظر منطق بعقیده بنده نیست از نقطه نظر اینکه یک فکر سوگلی است . آقا بفرمایند و یک فرض دعوائی را گرفتند که محاکمه در یک جلسه تمام شود آنوقت میفرمایند در همان جلسه اول مدعی بیاید تقاضا کند و دلائل جدیدی هم که دارد بیاورد باید عرض کنم که این ماده پیش ناظر بآن مواردی است که دعوائی چندین جلسات متعده طول میکشد آنوقت ناچار میشود و بخیمال می افتد که تقاضای تأمین بکند ملاحظه بفرمائید راست است که ما آمده ایم وطوری

کرده ایم که جلسات محاکمه حق الامکان کمتر شود و گفتیم که مقدمات دعوی باید بکلی کتبی باشد وقتی که تمام مقدمات بعمل آمد و فراهم شد آنوقت محکمه جلسه معین میکند برای اینکه بتواند با یک رسیدگی بدلائل که نوشته شده و لوائجی که طرفین داده اند کار را تمام کند ولی آیا واقعاً باید دید با تمام این مقدمات ممکن است محاکماتی نباشد که طول بکشد؟! این وضعیت نه تنها در ایران است بلکه در خارج از ایران هم همینطور است تصور نباید کرد که فقط در ایرانست که دعوا چندین سال میکشد دعوای ده سال ، پانزده سال ، بیست سال در خارج از ایران از دعوی نیست که نادر باشد خیر آقا بعضی دعوی مشکل میشود و بقدری اطراف و حواشی پیدا میکند که هنوز نمیشود بطوری که منظور است در یک جلسه و دو جلسه محاکمه را تمام کرد حالا در یک همچو دعوائی که عرض کردم سه سال طول بکشد سال اول و دوم باین خیال نیفتادیم که تقاضای تأمین کنیم حالا سال سوم است و جلسه پانزدهم محاکمه آمدم و یک دلائلی آوردم در آن سال سوم بنده حق ندارم که یک دعوائی که سه سال طول کشیده است تقاضای تأمین کنم این است که بنده باز عرض میکنم و از آقایان خواهش میکنم که موافقت بفرمایند با این لایحه زیرا این خیلی مطالعه شده است و با یک پیشنهاداتی باین شکل اصل منظور و مقصود از بین میرود خوب است اجازه بدهید که بهمین شکل بگذرد و باز هم عرض میکنم که این یک امری نیست که اگر آمدیم و واقعاً دیدیم خوب نبود عالم بهم بخورد چرا؟ برای این که ضررش در چیست ضرر این فقط در این است که چندین مرتبه یک مدعی سمج لجوجی بیاید تجدید درخواست بکند و وقت محکمه را تلف کند ولی وقتی این ضرر را ما بگذاریم در مقابل آن منافعی که از این ماده انتظار داریم بنده خیال میکنم که می ارزد که آقایان موافقت بفرمایند و اجازه بدهند که این ماده اینچور بگذرد

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کمی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد دیگری است
قرائت میشود :

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود در صورتیکه محکمه رد کرده باشد فقط يك مرتبه محکمه میتواند بپذیرد تجدید تقاضا را
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - هر چند همین مطلب مذاکره شد اما بنده عقیده دارم (بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شد) که چون خود آقای وزیر و همه عقیده شان این است که سرعت جریان در محاکمات باشد تا مردم رغبت بکنند که رجوع به عدلیه بکنند نه این که بواسطه طول مدت محاکمات صرف نظر از حقشان بکنند و رجوع به عدلیه نکنند همه آقایان این عقیده را دارند و بنده هم این عقیده را دارم و اگر چنانچه بنا شود که محاکم دو مرتبه ' سه مرتبه ' ده مرتبه قبول تقاضا بکنند این منظور از بین میرود (مخبر - مفاد این پیشنهاد رد شد) این یک چیز است که به ضرر تمام مردم تمام میشود و اگر یک موضوع خاصی را انسان پیدا کرده آرا نباید ترجیح به مواضع متعدد بدهد بنده باین ملاحظه عقیده ام این است که یک مرتبه تجدید تقاضا بکند اگر محکمه قبول کرد که کرد و اگر نکرد تجدید دو مرتبه نشود .

مخبر - چون پیشنهادی از طرف آقای کیا در همین زمینه شده بود و رد شده بود این پیشنهاد هم که مفاد آن با آن پیشنهاد یکی است که فقط یک مرتبه میتواند تجدید تقاضا بکند دیگر گمان نمیکنم بشود باین پیشنهاد رأی گرفت معذک بسته برأی مجلس است .

فیروز آبادی - چون میدانم رأی نمیدهند بنده پس بگویم
رئیس - بلی همانطور که آقای مخبر تشخیص کرده اند رد شده است پیشنهادی از آقای دهستان رسیده است .

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست محترم دامت عظمة . ماده سوم - در صورتیکه محکمه در خواست نام مدعی به را رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه بشرط تقدیم و دلائل دیگری در خواست نامین تجدید کند .

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - پیشنهاد آقا هیچ تأثیری در اصل معنی نمیکند
لذا مورد رای ندارد .

رئیس - رأی می گیریم بماده سوم موافقتین
ماده سوم قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود
ماده چهارم - درخواست تأمین را فقط در آن میتوان نمود که میزان یا عین مدعی به معین باشد
رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم .

رئیس - آقای طاهری

طاهری - بنده مقصودم این بود که از طرف مخبر يك توضیحی داده شود و بر خلاف این ماده مثالهایی زده شود که چطور میشود میزان مدعی به نباشد و تقاضای تأمین هم بکنند این را خواستم يك توضیح بدهند که چطور میشود که برای مدعی به بتوان معین نمود و تقاضای تأمین هم بشود که در ماده دیگر در خواست تأمین را متطابق ادعائی میتوان نمود که

مدعی به معین باشد فرض مخالفش را خواستم

مخبر - بسیاری از دعاوی است که نمیشود مدعی به را تعیین کرد و میزانش را معین کرد لذا باید در این موارد استثناء کرد فرض بفرمائید که شما قییم صغیری هستید و دعاوی قیوموت دارید قیوموت که قابل تقویم نیست اگر کسی دعاوی بنوت دارد دعاوی ابوت دارد دعاوی از این قبیل چیزها را دارد از قبیل وصایت ' دعاوی تولیت (نه حق التولیه) دعاوی این را که من متولی هستم این قبیل دعاوی قابل تقویم نیست و نمیشود مقدارش را معین کرد و بالاخره نظائر زیاد دارد .

رئیس - آقای دکتر طاهری

طاهری - در این فروضی که فرمودید اصلاً تأمین معنی ندارد که يك ماده بخصوص برای آن نوشته شود لازم نیست که نوشته شود در این موارد تأمین را نمیشود در خواست کرد اصلاً بعقیده بنده این ماده لازم نیست زیرا در این فروض اصلاً تأمین مدعی بهی نمیشود و تقاضا نمیشود که بنویسیم جایز است یا نیست در موضوعی که تأمین ممکن باشد میگویند که این جایز است قانوناً یا نه ولی وقتی که اصلاً جائی باشد که تأمین معنی نداشته باشد در خواستش البته معنی ندارد که ما يك ماده بخصوص برای این ذکر کنیم و بگوئیم که نمیشود در خواست را در این قبیل مواقع که فرضش را هم ممکن نیست بکنند در خواست تأمین پذیرفته نمیشود بعقیده بنده موضوعی ندارد
رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - علت این که این ماده نوشته شده است همان است که خود حضرتعالی فرمودید چون اصلاً معنی ندارد در این قبیل مواقع تأمین مدعی به . شما ملاحظه بفرمائید که اگر این قانون حق میداد که مدعی وصایت از محکمه تقاضا کند که آقا مدعی به من را تأمین کن برای قاضی هم مطابق قانون مانعی نبود این يك کار عبث و لغوی بود این است که در اینجا تصریح شده است

که در دعاوی که میزان مدعی به معلوم نیست و يك مقدار معینی نیست حق تأمین ندارد .

رئیس - موافقتین با ماده چهارم قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده پنجم قرائت میشود :

ماده پنجم - در موارد ذیل محکمه مکلف بصدور قرار تأمین است :

۱ - هرگاه مستند دعوی سند رسمی باشد یا سند عادی که دارای اعتبار سند رسمی شده است .

۲ - هرگاه مستند دعوی سند عادی بوده ولی مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعی به باشد

۳ - هرگاه مستند دعوی سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین بدهد .

رئیس - آقای کیا

آیا نوری - بنده تصور میکنم این ماده برای مدعی علیه يك مضیقه هائی ایجاد میکند زیرا که در قسمت اول که سند رسمی باشد یا سند عادی که بمنزله سند رسمی باشد محکمه مکلف است که قرار تأمین صادر کند در قسمت دوم هم که تضییع و تفریطی باشد و احراز شود پیش محکمه که تضییع و تفریط بوده اینجا هم میشود که تأمین کرد اما بمحض اینکه هر مدعی آمد و اظهار کرد که آقا شما تأمین کنید مال آقا را اگر چنانچه خسارتی به آقا از این تأمین وارد آمد بنده میدهم و تا همین میگویم اینجا محکمه را مکلف کرده اید گمان میکنم که يك تضییقی به مدعی علیه بشود اگر شما محکمه را مختار میگردید بهتر بود که محکمه در رد قبول آزاد بود که در يك جائی محکمه وقتی که میدید مورد ندارد و لو این که طرف هم خسارات را جبران کند محکمه قرار تأمین صادر نکند و اینکه اینجا نوشته است که قاضی مکلف است بمحض

اینکه طرف جبران خسارت را کرد تا من بکنم این خوب نیست در قسمت اول و دوم البته باید تا من بکنم و در قسمت سوم قاضی نگاه میکنند اگر موجب داشت تا من بکنم و اگر صلاح ندانست رد میکند اما این که قاضی مکلف باشد که بمحض اینکه مدعی گفت خسارت را من میدهم فوراً قاضی تأمین کند بنظر بنده خیلی مضیق است و حق در مواردی که قاضی می بیند که این بضرر است و مصلحت نیست و مورد ندارد وقتی که نظرش مخالف بر این است باز مطابق این ماده مجبور است و شما در این ماده مکلفش کرده اید که بمحض این که هر کس اظهار کرد که تأمین میکنم و خسارتش را من میدهم این را بنده صحیح میدانم فقط در موردی را که بنده تصور میکنم باید قاضی مکلف باشد مطابق این قسمت ماده این است که تقاضای تأمین راجع به عین مدعی به باشد فرض بفرمائید که مدعی میگوید این پالتو مال من است این را تأمین کن و اگر از این تأمین خسارتی وارد آمد من میدهم ولی در هر چیزی نمیشود که مثلاً من پنجاه تومان دعوی کرده ام ولی معلوم نیست که این دعوا نتیجه اش چه میشود بمحض این که طرف در خواست کرد که شما این خائن این شخص را در مقابل پنجاه تومان تأمین بکنید و از این تأمین هم اگر خسارتی وارد آمد من میدهم و قاضی بدبخت را هم مکلف کنیم که حتماً بپذیرد و تصور میکنم که این اندازه مقتضی نباشد و در قسمت اول و دوم البته صحیح است و در قسمت سوم هم تصور میکنم اگر موردش را اختصاص بدهید به این که تأمین عین مدعی به باشد بهتر است این است که بنده پیشنهاد کرده ام و تقدیم میکنم

وزیر عدلیه - آقا فرمودند که این ماده خیلی تضییق است بر مدعی علیه همین طور است اصلاً از برای تضییق این قانون آورده شده است اگر چنانچه میخواستیم تضییق بکنیم این قانون لازم نبود عنوان تأمین مدعی به

در قوانین فعلی هست ولی عمل بهش خیلی کم میشود برای این که بسته است بنظر قاضی الان مالی در معرض تضییع و تفریط است قاضی هم البته طرز فکرش مثل طرز فکر شما و بنده است ماها یک حالتی داریم وقتی که بنا باشد یک کسی آمد و در مقابلمان نشست عطوفت میکنیم ما رحمان خیلی بیچشممان است خوب طرف میگوید که من یک سندی دارم اول که سند را تکذیب میکند بعد تردید میکند بعد از مدتی راجع به جعلیت صحبت میکنند دعوا پیدا نکردید آقا خدا نکرده که به بینید چه میشود...

کازرونی - والله تا بحال دعوی نداشته ام من بعد این قانون پیدا خواهم کرد
(صدای زنگ رئیس)

وزیر عدلیه - طرف دعوا نپذیرد یا دعوا نداشتند کازرونی - نه مدعی بوده ام و نه مدعی علیه وزیر عدلیه - همه اشخاصی که در این مملکت مثل

آقا خوش حساب نیستند که نه طرف دعوی واقع شده و نه بر علیه کسی دعوی داشته باشند حالا ما خواستیم یک کاری بکنیم که مدعی علیه مصلحت و منفعت خودش را در بد حسابی نداند چرا آلمان مصلحت خودش را بد حسابی میداند؟ برای این که میگوید من این مبلغ پول را که بایستی بدهم این مال را که بایستی بدهم این را اگر امروز بدهم از این منفعتی که امروزه من باید صرف نظر کنم اگر آمدیم و رقیتم دعوی کردم در مرحله ابتدائی بعد استیناف بعد تمیز بعد هم اگر قضیه برگشت دومرتبه از سر گرفته میشود و هفت هشت ده سالی میتوانم من این مال را نگه دارم خوب آه یک ضرورتی واقعاً هست (ضرورت اخلاقی را کنار میگذاریم) که هر کس امروز با کسی حسابی دارد آن حسابی بدهد؟ بنده عقیده ام این است که هر کس مصلحتش امروزه در این مملکت این است که تا ممکن است آن حل

که باید بدهد ندهد بجهت این که تازه وقتی که محکوم بد چه خواهد شد تازه می بینید آنوقت یک شخص ثالثی پیدا میشود و یک مشکلات دیگری پیش می آید و اگر بطریق قانونی پیش پایش گذارده نشود بکروزی بالاخره باید همین پول را بدهد پس شما اگر نخواهید این تضییق برش نشود آن مقصود حاصل نمیشود حالا در یک قسمت آمده ایم در قسمت اول که میگوید هرگاه مستند دعوی سند رسمی است یا سند عادی است که در حکم رسمی شده باشد خوب یک کسی سند رسمی دارد که لازم الاجرا است و بدون رجوع به محکمه ولی مواردی پیش می آید که ممکن است بعضی از قسمت های آن به محکمه رجوع شود خوب وقتی که رفتند این آدم حق نداشته باشد که تقاضای تأمین کند؟ که تضییقی بر مدعی علیه نشود! یک کسی دیگر در مورد دیگری است که سندش سند عادی است ولی مدعی علیه مشغول است که مال را نقل و انتقال میدهد و آنرا تفریط و تضییع میکند خوب چه باید کرد؟ خوب به او تضییق میشود؟ تضییق میشود یعنی چه؟ تضییقی که میفرمائید معنی آن این است که اگر مال غیر منقول است باو مینویسند که این مال توقیف شده است و انتقال نمیتوانی بدهی عجب کار بدی است که باین آدم که ملکش دارائش طرف ادعا است نوشته میشود که آقا انتقال ندهید بجهت این که زودتر شاید تکلیف این کار را معلوم کنند! یا اگر مال منقولی است اگر آدم معتبری است که مال را دست خودش میسپارند ولی اگر یک کسی است که ممکن است دارائی را بر دارد تفریط کند باید تأمین کرد و توقیف کرد در هر چه نیست یکی پول بی زبان خودش را داده است یک آدم زبان داری ما هم هزار زبان قانونی برای او داریم می کنیم میگوئیم تو میتوانی در تمام این مراحل هزار و خرده مواد قانون اصول محاکمات استفاده کن بنده میخواهم یک روزی که هم آقا وقت داشته باشد و هم بنده آقا بیائید و یک قدری به بعضی محاکمات کنید و احصائیه ها را نگاه کنید به بینید در عمل

چه موافقی هست و آنوقت مثل بنده در صدد می افتید که از چه راههایی جلوگیری کنید همانطور که آقا نه از نظر ترحم (که البته بجای خودش خیلی خوب است) شما بیائید و بطور کلی نگاه کنید نظر تأمین میروند و فرض بنده این طور نیست که یک مدعی علیه است که این جور طرف اعتراض واقع شود و یک مدعی هم هست که یکسند عادی دارد و معلوم نیست سندش اساسی داشته باشد و مطابق این ماده یک لجاجتی میکند که خسارت تأمین را جبران کند یک همچو مدعی در مقابل هست آنوقت آن بدبخت بیچاره مدعی علیه مثل یکجوجه در مقابل محکمه نشسته است و میلرزد شما دلنان بحال او میسوزد ولی این طور نیست شما وقتی فکر کردید دیدید اشخاصی راست راه میروند و پول مردم را بر میدارند آنوقت یک مدعی هائی که آمده اند اعتبار کرده اند پولشان را داده اند بدست این آدم حالا این آدم نمیخواهد بدهد آن بیچاره شاید ورشکست بشود مالش میورد در نتیجه این کار بجهایش سربیشام زمین میگذارند آن وقت آدمی پنجاهزار تومان، ده هزار تومان مال این مدعی را بر میدارد و میخورد این طرف قضیه را هم اگر بر دارید نگاه کنید قضیه درست میشود و کار درست میشود پس اگر چنانچه آقا میخواهند یک کاری بکنند که ما موفق به این بشویم که یک کسی از برای ظفره از پرداخت نگوید که اگر طلبی داری برو به عدلیه باید بنده وشما یک کاری کنیم که بدانند اگر یک طرفش رفت بعدلیه هم برایش تضییق است و هم به او سخت خواهند گرفت و همان دفعه اول هم دست میگذارند روی آن مالی که باید بدهد (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
کازرونی - بنده مخالفم کافی نیست
رئیس - بفرمائید
کازرونی - عرض کنم. قانون می آید در مجلس که هر کسی نظریات خودش را بگوید اگر دو نفر که صحبت

داشت حق باقی بکلی سلب میشود و مذاکرات کافی است پس لزومی ندارد بنده منگویم مذاکرات کافی نیست چرا؟ برای این که نظریه دارم شما میفرمائید که نظریه ندادی شما که خبر از قلب من ندارید عجب (خنده نمایندگان) شما نمیگوئید از حقت صرف نظر کن که شما که همچو حقی ندارید

وزیر عدلیه - پیشنهاد بدهید آقای

رئیس - موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند .
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است . پیشنهادی از آقای کیا رسیده است فرائض میشود :

پیشنهاد آقای کیا

مقام منبع ریاست معظم مجلس مقدس دامت شوکه العالی بنده پیشنهاد مینمایم فقره سیم ماده پنجم بطریق ذیل درج شود . هرگاه مستند دعوی سند عادی است ولی درخواست تأمین عین مدعی به شده باشد و مدعی برای جبران خسارتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین نماید .

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده در مقابل بیانات و فرمایشات آقای

وزیر عدلیه خیلی الکن هستم ولی در قسمت اول و دوم این ماده هیچ اشکالی نداشتم و تمام قوای دفاعیه ایشان هم روی آن قسمت صرف شد فقط بنده در قسمت سوم اعتراضی داشتم حالاً هم اگر صلاح میدانند ممکن است پیشنهاد مرا مسترد دارم بنده در قسمت سوم مقصودم این بود که بمحض اینکه مدعی اظهار کند که من خسارت شما را تأمین میکنم تقاضای تأمین را قبول کنند بنده گمان میکنم که اینطور و باین اندازه خوب نیست لهذا ضمیمه کردم که در مواردی که تقاضای تأمین عین مدعی به را بکنند و خسارات را هم قبول بکنند در این مورد تقاضای او را قبول کنند

نه اینکه مطلقاً در هر مورد که بگوئید من خسارات مدعی علیه را میدهم قاضی مکلف باشد تأمین کند فقط در موردی که عین مدعی به را بخواید تأمین کند مکلف است بفرماید کند این بود نظریه بنده حالا هر طور صلاح میدانند وزیر عدلیه - خیلی تشکر میکنم از اظهاری که ایشان فرمودند در موافقت با بنده این را هم عرض کرد علت این که بنده اصرار میکنم این است که بنده بادم آید يك روزی موقعی که این لایحه قرار بود تهیه شود بمجلس بیاید قبلاً در يك کمیسیون مرکب از قضات و وکلای از وکلای عدلیه این لایحه حلاجی شد یکی از وکلای که آنجا بود میگفتند که یکی از وکلای خارج بمن میگفت که با این قانونیکه شما میروید آنجا درست میگفتند چه قدر بکار خودتان ضرر میزنید حالا اگر وزیر عدلیه بخواید این کار را بکنند حرفی نیست شما چرا اینکار را میکنید این است که بنده خیلی این قانون را غیب بهش پیدا کردم چرا؟ برای این که اهل فن قدری را باعث جلوگیری از دعوی میدانند این است که خواهد میگفتند آقا هم موافقت بفرمایند این ماده اساسش عبارت باشد چون این ماده از مواد اساسی این قانون است کیا نوری - مسترد میدارم .

رئیس - پیشنهاد دیگر فرائض میشود:

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم قسمت سوم از ماده ۵ حذف شود
رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اگر بنده هم قوه نطق بقدر آدای وزیر عدلیه داشتم آنوقت وزیر عدلیه دو نفر میشد (حشو است) و میخواهم عرض کنم نه تنها بنده بلکه بنده حریف آقای وزیر عدلیه در نطق نیستند خصوصاً در این قضائی که میتواند بقوه نطق هر چه را میخواهد بگوید و در عین حال نفی کند (بعضی از نمایندگان بطور نیست) لکن بنده اهل این کار نیستم و منطقی

بسیار بسیار خوب است . استدعا میکنم که آقای وزیر محترم عدلیه يك عده از تجار متخصص را که عمده تجارت مملکت ...

عراقی - متخصص در چه ؟

کازرونی - متخصص در تجارت . که داد و ستد عمده معاملات و تجارت مملکت بدست آنها میشود حاضر کنند به بینند واقعاً اگر چنانچه بخواهیم این قانون را در مورد معاملات تجارته و تجار و اختلاف فیما بین تجار اجرا کنیم چه حالی پیدا میکند؟ متداعیین تجار دعاویشان نکش و عنوانش بکلی غیر از متداعیین و دعاوی سایر اشخاص است مثلاً يك کسی ادعا میکند میگوید يك تنخواهی ، قماش از شما خواستم شما برای من فرستادید من هم پول را بشما کارسازی کردم حالا این تنخواه را که ملاحظه میکنم مطابق با آن دستوری که من داده ام نیست و مستلزم پنجاه هزار تومان خسارت است بمجرد این ادعا اگر بنا باشد که ما بخواهیم تأمین مدعی به بکنیم و مدعی هم بگوید که من خسارت این تأمین را از عهده بر میآیم با این تأمین تاجر طرف ورشکست نمیشود ؟ بنده اطمینان میدهم چون تأمین مدعی به از برای تاجر گذاردن مبلغ پنجاه هزار تومان پول نقد است در محل معینی که این پنجاه هزار تومان با بیست هزار تومان را در يك گوشه بگذارد بالاخره این شخص ورشکست خواهد شد و کارش بریشده میشود میفرمائید اگر مدعی محق نبود ممکن است این رشته های پاره شده اش را بهم پیوند کنند او دیگر مرده است و زنده نخواهد شد عمل او تمام است و از این مقوله اختلافات تجارته است ادعای بیمه از قبیل ادعای شرکت از قبیل ادعای تنزیل و غره و غیره این ها يك چیز هائی نیست که انسان بتواند درست در معرض نظر واردش کند . این ماده پنج را که شما آوردید که فقط مدعی بدون اینکه سند رسمی باشد عادی باشد بآن شرطی که نوشته اید بمجرد ادعای تجارته بگوید که مدعی به من را تأمین کنید

بنده گمان می کنم غیر عملی باشد و اما اینکه فرمودند جبران خسارت را بکنند این خسارت جبران کردن يك كلمه ایست که حقیقه هزار چیز ها دارد مثلاً راجع بیک نفر از تجار شما میگوئید جبران خسارات تو را تأمین میکنیم یعنی تنزیل پولت را میبردازیم ؛ اینکه برای او افاقه ندارد و فایده ندارد پس چه کار می کنید ؟ این آدم رشته تجارتش پاره شده است کارش از هم گسیخته و بریشده شده است آنوقت شما میگوئید خسارات او را تأمین می کنیم ؛ این چه فایده دارد ؟ در هر صورت بنده تصور میکنم برعکس این قسمت سیم را احتیاطاً حذف بکنید . شما میفرمائید ما این را در مورد و مرحله عمل وارد میکنیم اگر دیدیم بد شد آنوقت حذفش میکنیم بنده عرض می کنم از حالا حذفش کنید اگر دیدید در عمل و اجرا يك بدی داشت و يك وقفه در امورات وارد شد آنوقت بیاورید و عملی کنید و از مجلس بخواهید

رئیس - آقایان نظری ندارند . آقای احتشام زاده

احتشام زاده - نماینده محترم خودشان در ضمن فرمایشات شان فرمودند که من خوشبختانه طرف دعوی نبودم و هیچوقت مدعی هم نبوده ام البته تصدیق بفرمائید وقتیکه طرف دعوا نبوده اید از زحمات و صدماتی که برای اشخاص طرف دعوا روی میدهد اطلاع ندارید و از طرفی هم خودشان تصدیق و اعتراف میفرمایند که آقای وزیر عدلیه اطلاعات کاملی در امور قضائی دارند و از برای يك آدمی که خودش را در يك قضیه بی اطلاع میدانند نسبت به يك آدمیکه بصیر و با اطلاع است حق این است که تسلیم بشود . فرمودند خوبست يك عده از تجار متخصص را بیاورید و مشورت کنید و مطالعه کنید بنده خیال نمیکنم این قانون قانون تجارته باشد قانون قضائی است و برای شور در مسائل قضائی هم محتاج بمشاوره و مراجعه با تجار نیستیم بلکه باید بکسانی که در فن قضاء متخصص و متبحر هستند مشورت کنند بنده نمی دانم چرا آقای

این قدر میترسند که طرف دعوی یعنی مدعی تامین مدعی به را بخواهد در صورتیکه مدعی حاضر شود که هر گاه ضرر و خسارتی از تامین مدعی به بمدعی علیه وارد شود جبران نکند بنده نمیدانم چه نگرانی ایشان دارند؟ می فرمائید اگر یک تاجری را تامین نمایند و رشکست میشود و خسارات زیادی بار وارد میشود عرض میکنم ما قید کردیم که مدعی تامین بکند آن خسارتی را که از این تامین وارد میشود. بعلاوه اشاره فرمودند که تاجر مدعی علیه و رشکست میشود و شما که اینقدر اهمیت میدهید بتاجرو و رشکست شدن تاجر باین طرف هم اهمیت بدهید اگر مدعی علیه تاجر است مدعی هم تاجر است و از نرسیدن بحقش و رشکست میشود اینکه فرمودید بمجرد ادعا باید تامین بدهد و مدعی به را تامین کنند اینطور هم نیست آقا. اینجا نوشته شده است اگر مدعی سندش سندعادی باشد یعنی حتماً در دعوی سند داشته باشد از طرفی هم حاضر باشد حتماً خساراتی را که از تامین بطرف وارد میشود جبران کند آنوقت محکمه مکلف است تامین بکند مدعی به را - و بطوریکه آقای وزیر عدلیه هم فرمودند اصل منظور این است که باین وسائل و این تضمینات (که حق هم هست) بیابند و یک مقداری مدعی علیه را بترسانند که حتی المقدور خودشان بیابند و در خارج حاضر شوند که دعای را بین خودشان حل و فصل نمایند و محتاج باین نباشند که بعداً به مراجع کنند و بخواهند اطاله وقت بکنند که حق مردم بتأخیر افتد یا بخواهند حق مردم را تضییع کنند.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قایلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد

تقدیم لایحه منع ورود نقره و تصویب فوریت آن معاون وزارت مالیه (سیاح) - لایحه ایست راجع بمنع ورود

جمعی از نمایندگان - آقا بلند تر بلند تر.

معاون وزارت مالیه - يك لایحه ایست راجع بمنع ورود نقره و مسكوك و شمش و خاك نقره تقدیم میکنم عده از نمایندگان - الحمدلله . الحمدلله .

کازرونی - تقاضای دو فوریت میکنم (صحیح است)

معاون وزارت مالیه - تقاضای فوریت شده است

لایحه منع ورود نقره

ساحت محترم مجلس شورای ملی بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است بواسطه ترقی فوق العاده که در نرخ اسعار خارجه در داخل ایران حاصل شده به تجارت ایران لطمه زیادی وارد شده است عامل مهمی که موجب این ترقی گشته همانا تنزل قیمت نقره در بازار دنیا میباشد ولی به علت داخلی هم وجود دارد و آن آزادی ورود نقره بایران است که در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است. بنا براین فوق ماده ذیل را تقدیم و تقاضای تصویب آن را بنده دو فوریت مینمایم

ماده واحده - ورود نقره اعم از مسكوك یا غیر مسكوك و شمش و خاك ممنوع خواهد بود

تبصره (۱) - هر مسافری در موقع ورود بایران میتواند تا دوازده تومان مسكوك نقره همراه داشته باشد

تبصره (۲) - ورود مصنوعات نقره آزاد است

حیث حقوق گمرکی تابع مقررات قبل از تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۱۳۰۷ خواهد بود

رئیس - فوریت مطرح است. آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - کازرونی.

کازرونی - در فوریت مخالفی نیست.

رئیس - موافقین با فوریت اول قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است مخالفی ندارد؟

(نمایندگان - خیر)

رئیس - موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است (ثانیاً قرائت شد)

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم که قانونی است راجع بمنع ورود نقره، شمش یا مسكوك بمملکت ایران ولی بنده میبینم يك قسم راجع به روپیه است

عدل - مخصوصاً روپیه. روپیه. (همهمه)

(صدای زنك رئیس - دعوت بسكوت)

کازرونی - اجازه بفرمائید آقا. اولاً راجع بغیر مسكوك می نویسد این یعنی چه؟ و ثانیاً مسكوك نقره وارد ایران میشود از جمله اش روپیه است روپیه سكه عدل - وارد نشود

کازرونی - صبر کنید آقا روی هوا نگوئید نشود

اطلاعات زیاد باید آرد روپیه سكه در حکم طلا است

(عدل - نیست. مخصوصاً روپیه ...) روپیه سكه مخصوصاً در حکم طلا است (بعضی از نمایندگان نیست اینطور) و اگر شما حکم کردید که نباید و منع کردید که وارد نشود ضرر میرساند آقا روپیه می آورند و در عوض از مال التجاره داخلی شما خرید می کنند خرما می شما اجناس شما را خرید می کنند و عیناً فرستاده میشود بخارجه همان روپیه که محل احتیاج شما است حالا میگوئید روی هوا که وارد نشود؟ این در واقع مثل این است که شما منع کنید از صدور مال التجاره نان بخارجه باز هم عرض میکنم روپیه سكه حکم شلینگ دارد شلینگ بیست تایش يك پوند است روپیه سیزده تایش يك پوند است شما میگوئید پوند هم وارد نشود؟ خیلی زحمت کشیدید. این بنادر را بکلی خراب می کند

رئیس - آقای روحی

روحی - مقصود دولت از تهیه این لایحه يك خدمت بزرگی بمملکت است و هیچکس هم حرفی ندارد و اما این پولی که واحدش طلا است عین روپیه ... (همهمه نمایندگان - صدای زنك)

روحی - من اساساً تصور می کنم طلا از این لایحه مستثنی است چرا که دولت میگوید مسكوك نقره را منع میکنیم و این منحصرأ بروپیه عند تصادف نمیکند البته در صورتیکه واحدش طلا باشد مطابق نص صریح این ماده مستثنی است که مورد بحث نیست و تصور نمی کنم طرف اعتراض باشد و البته دولت هم با یک مطالعات دقیقی این لایحه را آورده است و خود او متوجه بوده است که طلا را نباید از ورود بایران منع کند و اما اینکه فرمودید که شما ها میگوئید پوند هم وارد نشود. پوند درغالب جا ها کاغذ است و مسكوك نیست البته روپیه هم روپیه کاغذی است و آنها هم در حکم پوند است و گمان نمیکنم مانعی برای ورودش در مملکت باشد

رئیس -- آقای دشقی

دشقی -- عرض کنم اولاً تنزل پول نقره و ترقی پول طلای خارجه تنها مربوط بآمدن نقره بایران نیست بلکه یکی از عوامل مختصرش آزادی ورود نقره بود بایران. از طرفی هم آزادی ضرب مسکوک در ضراب خانه بود که سکه میزنند و شاید آزادی ورود نقره بتواند از ترقی آن نرخ مسکوک خارجه جلوگیری کند. این یک مسئله. اما اینکه آقای کازرونی فرمودند این قسمت محل احتیاج تمام بنادر جنوبی مملکت ایران است. برای اینکه در سواحل خلیج فارس و آن حدود خرما میخرند و بمردم هم روپیه باید بدهند و این هم ظاهراً روپیه نقره است ولی در حقیقت روپیه نماینده طلا بانکهای هندوستان است که موجود است و در بازارها بشکل روپیه گردش میکند و اگر شما روپیه را از ورود بایران منع کنید مثل این است که شما خروج مال التجاره نان را از ایران منع کرده باشید (کازرونی - صحیح است) و بکلی تجارت نان فلج میشود.

کازرونی -- چهار ملیون مروارید شما بوسیله روپیه فروخته میشود. چه میگوئید؟

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- بنده از فرمایشات آقای کازرونی موافقت و مخالفتی در این لایحه بنظر نیامد برای اینکه آقایان هر دو اظهار موافقت کردند و در بیک قسمت مخالفت کردند ولی این قسمت را هم خودشان تصدیق دارند که وقتی بنا باشد ورود فقره ممنوع باشد اعم از مسکوک و غیر مسکوک باید باشد چون یکی از لطماتی که وارد میسازد همان نقره مسکوک است اگر این را ملاحظه میفرمائید که خرما میانند و میخرند در مقابل روپیه میدهند و این روپیه نماینده طلاست و ما در عوض این روپیه را مجدداً بانها برمیگردانیم و میفرستیم بانجا.

عرض می کنم در اینجا این لایحه راجع بنقره ایست که اتکاء بطالانداشته باشد و قیمت نقره را نیز داشته باشد و شما که میفرمائید روپیه طلاست برای اینکه سیزده تایی او مطابق با یک پوند است پس او را می نمایانیم در اینجا نقره اسم بگذاریم (اگر اینطور باشد که میفرمائید) پس خوب است آقا در اصل لایحه بن مطالعه و قضایای بفرمائید که لایحه دولت راجع بوروز اصل نقره بایران مفید است یا نه؟ بحسب قاعده کلیه است و همانطور که میفرمائید یکی از عوامل خیدی کوچکی است و بنده عقیده دارم که اصل تنزل پول نقره بایران بزرگ است نیست چون معادنی بوده است دو سه تا معدن خرد بزرگ نقره بوده است که آنها را هم حالا بعضی بزرگ بیک جهانی استخراج نمی کنند و اگر استخراج شود که خیدی تنزل میکند و بنده هم اساساً در این عوض با دولت حرف زده ام و تصور میکنم که این لایحه برای ما خوب است و تا یک درجه البته بطور کلی خیر ولی تا یکدرجه بدرد میخورد. روپیه را هم میگوئید طلاست که بموجب این قانون شامل نمیشود و اگر هم نقره باشد که قیمتش روی ترقی و تنزل ترقی و تنزل میکند ولی بنده خیال میکنم که حال نقره دارد (صحیح است)

رئیس -- آقای اعتبار مخالفند؟

اعتبار -- بله. این جا دو موضوع بود یکی اینکه آقای کازرونی فرمودند و بنده تصور میکنم معاملات بنادر صفحات جنوب از نقطه نظر فروش محصول خرما و غیره جور چیزها که باید بفروشد معاملاتشان همه با دولت است لازم است مراعات شود و از این راه نمکن است صدماتی بهشان بخورد برای اینکه وقتی که آنها نتوانند بولشان را بیاورند و در مقابل جنس ببرند هیچ اتکاء ندارد برایشان و مزوند از بین التهرین میخرند و این که در دو سال قبل هم یک قدری مشکل کردید

و او بنده می شنیدم که در این دو سال يك خسارت عمده بر صفحات جنوب بردیم. یکی هم این موضوع است که یکی از رفقا به بنده تذکر دادند و مرا متوجه ساختند و آن نقره دوم است که مینویسد: ورود مصنوعات نقره آزاد است یعنی مطابق قانون قبل از اسفند ماه تقریباً آزاد است و گمرک میدهد و میتواند وارد شود بنده گمان می کنم وقتی که ما احساس کردیم ورود نقره برای ما مضر است در این صورت این را هم باید از بین ببریم و هیچ اشکالی ندارد و برای وارد کنندگان که یک شمش را بر دارند و بصورت یک قاب بزرگ در بیاورند یا صورت کاسه یا کلدان بزرگی پیش بدهند و با یک حقوق گمرکی که میپردازند وارد کنند و با خرج مختصری این جا آب کنند و هر قدر می خواهند بفروشند و باین جهت بنده عقیده ام این است که این قسمت را بیشتر مطالعه نمایند. راجع بوروز روپیه هم چون برای خوزستان و بنادر جنوبی ایران لازم است که برای خرید از هندوستان روپیه بآن جا وارد شود این را باید بیشتر دقت و مطالعه کنند و راجع بمصنوعات هم عقیده دارم که آن را هم ممنوع کنیم و برای ما لزومی ندارد و ما اصلاً احتیاج نداریم بیک چیزهای لوکسی.

رئیس -- آقای فیروز آبادی مخالفید؟

افسر - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

افسر -- بنده عقیده ام این است که آقای معاون وزارت مالیه بایستی کاملاً این قسمت را توضیح بدهند جهت اینکه هر دو طرف ادعای بدهت می کنند و لاخره ما نفهمیدیم که دولت خودش چه نظری دارد چه استدلالی می خواهند بکنند که آیا باید این منع بود یا نبود؟

معاون وزارت مالیه - منع ورود مسکوک که پیشنهاد کرده اند برای این است که یک مقدار

زیادی از مسکوک شکسته ایران را از خارجه می آورند و تحمل تجدید ضرب آنها برای دولت مشکل است و مخارج زیادی لازم دارد باین ملاحظه اگر اجازه نفرمائید برای مسکوک آنوقت باز اسباب زحمت و ضرر میشود و تمام آن مسکوک شکسته که الان خیلی هم هست وارد و باز اسباب زحمت میشود و اگر برای روپیه هم اشکالی دارند نمکن است برای آن پیشنهاد جدیدی بعد داده شود عجلأً راجع باین ماده خوب است همانطور که پیشنهاد شده است تصویب بفرمائید راجع بمصنوعات هم اگر چنانچه بخواهید آن را محدود کنید این خیلی اسباب زحمت است برای اینکه يك اشخاصی می آیند و يك مختصر مصنوعاتی همراه دارند نمیشود آنها را منع کرد يك حقوق گمرکی دارند که باید در موقع ورود بدهند و اساساً این نقره مصنوع را بصورت سکه در آوردن و آب کردن برای صاحبانش فایده ندارد و ضرر دارد.

رئیس -- آقای کازرونی پیشنهاد کرده اند که لایحه از دستور خارج شود.

عدل -- مخالفم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- آقا بنده عقیده ام این است که یک نفر مخالف نیست و خیلی هم مشتاقانه استقبال می کنند که دولت ورود نقره را منع کند ولی بنده عرض می کنم لایحه طوری تنظیم شده است که محتاج بمطالعه و مباحثه است عرض می کنم که بنده استراق سمع کردم حضرت آقای وزیر عدلیه هم داشتند این جا همین مطلب را کانه می گفتند که این لایحه مطالعات لازم دارد. بنده عرض میسکنم راست است اگر چنانچه قران های شکسته از سرحد وارد ایران میشود باید جلو گرفت ولی روپیه که در حکم طلا است و در حکم اسکناس است و طرف احتیاج است و اگر این را هم بعنوان منع ورود نقره جلوگیری کنید این اسباب زحمت مردم میشود مدتها زحمت کشیده شد با وزارت مالیه مذاکره شد و راپورتنی تهیه شد

و با اینکه قانون منع مسلم و صریح کرده بود بطور موقت آن را آزاد گذاشت و در حقیقت بنادر را زنده کردند شما بواسطه این ماده قانون از يك طرف میگوئید آنهاائی که وارد میشوند تاچه مبلغ پول همراه داشته باشند اینها محتاج بمطالعه است که آیا لازم است یا لازم نیست غرض ما این است که ورود نقره بایران ممنوع باشد اما مثلا مصنوعات نقره مثلا ممکن است يك كوزه خیلی بزرگی را از نقره بسازند خوب درست کنند و بیارند بفروشد. امروزه نقره چندان قیمتی ندارد در خارجه يك كوزه درست میکنند پنجاه من وزنش و می آورند اینجا میفروشند آخر برای چه و چرا این آزاد باشد ولی رویه که نماینده پوند طلا است و طرف احتیاج بنادر است ممنوع باشد؟ آیا ما این اندازه مصنوع نقره نمی توانیم در مملکت خودمان تهیه کنیم؟ اگر اینقدر را تجملی هستیم که اینها را هم میخواهیم از خارجه وارد کنیم که این خیلی کار غلطی است و نباید بکنیم (صحیح است)

رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای کازرونی موافقت قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بعقیده بنده . . .

اعتبار - بنده پیشنهادی تقدیم کرده بودم.

رئیس - پیشنهاد تجزیه را مبرمائید؟

اعتبار - بلی بلی

رئیس - حالا موقع ندارد. آقای فیروز آبادی مبرمائید

فیروز آبادی - بعقیده بنده ترقی و تنزل پول طلا

و نقره هیچ ربطی بازادی ورود نقره در مملکت ندارد بجهت اینکه يك دول سرمایه دار خرج شان کم شده و برای اینکه دول سرمایه دار دارند جمع میکنند طلا را

ند باشد شکسته باشد ترك داشته باشد این يك امر کلی است یعنی چه دو هزاری يك گوشه اش صاف شده بر نیداریم یعنی چه؟

عدل - چه میگوئی آقا اینها مربوط بموضوع نیست (همهمه - صدای زنگ)

فیروز آبادی - خوب در اسکناس هم همین کار را بکنید اگر اسکناس آقایك خط برداشت یا پاره شد بر نیدارید. چطور يك کاغذ بی نم اگر ده تیکه هم شده باشد بر می دارند و خو بست ولی اگر خودشان پول قران يك را يك ترك برداشت نباید بر دارید؟ آخر ملتت بشوید به بینید این معایب از کجا است آنها را اصلاح کنید و رفع کنید این ها چیز هائی است که بضرر ما تمام میشود کلیه قران را ما دو ساعت بهر کس میخواهیم بدهیم نمیخواهند و قبول نمیکنند اسکناس میخواهد. آخر چرا؟ بهمین ملاحظاتی است که

که ما ناهم رغوب میشود خودمان میکنیم دیگر هی ایراد می آید صاف است زنجیره اش کم است اینها یعنی چه؟ باید دولت در این باب يك مطالعه بکند و بسکه خودش را محترم بدارد و نگذارد این جور بشود باید سکه ایران را محترم بشمارد ولو قطعه قطعه و شکسته شده باشد باید قبول کند این موضوع مهمی بود که بنده اینجا عرض کردم حالا خود دانید.

[آ ختم جلسه - موقع و دستور جلسه بعد]

رئیس - آقای دشتی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود (صحیح است) مبرمائید توضیح بدهید.

بعضی از نمایندگان - مخالفیم

دشتی - بنده توضیح زیادی ندارم يك ترضیحاتی

آقای معارن دادند که قانع کننده نبود آقایان هم يك نظریاتی دارند که يك قسمتش صحیح است بنا بر این بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود تا برای جلسه آتی در وزارت مالیه این مطلب را درست مطالعه کنند و اینجا توضیح بدهند آقایان هم مطالعه بیشتری بکنند تا در جلسه آتی مطرح شود و با بصیرت و اطلاع رای داده شود (صحیح است)

اعتبار - بنده مخالفم

رئیس - عرض کنم که ما بقبول پیشنهاد آقای دشتی

اجبار داریم برای اینکه عدم خواهندگان اجازه یعنی کسانی که می خواهند حرف بزنند بالغ بر بیازده شانزده نفرند پیشنهاداتی هم که به بنده رسیده است در حدود دوازده الی سیزده نفر است فقط کاری که ما می توانیم بکنیم این است که جلسه را ختم کنیم و موقع جلسه آتی را نزدیکتر معین کنیم که هر دو نظر تامین شده باشد و الا ما هر قدر جلو تر برویم باز پنج دقیقه بیشتر جلو نرفته ایم و باز مصادف بیک همچو پیشنهاداتی میشود (صحیح است) بنا بر این اگر موافقت مبرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتی بنده شب یکشنبه (سینزدهم) همین ماه تا اینکه در

قضیه هم مذاقه شده باشد. (صحیح است) . . .

عده از نمایندگان - سه ساعت از شب گذشته جلسه باشد

رئیس - ساعت هفت و نیم بعد از ظهر (صحیح است)

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر